



زرتشت پاک

آتش در ایران و عهد هخامنشیان

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۲۰ خرداد ۱۳۹۶ ۹۰ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

آتش علاوه بر نقش مذهبی خود در ایران باستان، کاربردهای دیگری هم داشته است. نقش مذهبی آتش در ایران باستان بیشترین سهم از نقش‌های این آفریده هفتم اهورامزدا را در متون دینی و تاریخی به خود اختصاص داده است و بیش از کارکردهای دیگر آن شناخته شده است، اما آتش کاربردهای دیگری هم در آن دوران داشته است. آتش در دوره هخامنشیان کارکردی ارتباطی نیز داشت و از آن همانند تلگراف بی سیم استفاده می‌شد. به فرمان خشایارشی هخامنشی (485 - 465 قبل از میلاد)، از شوشتر و همدان، دو پایتخت بزرگ تا به سرحدات ایران برج‌های بس



آتش علاوه بر نقش مذهبی خود در ایران باستان، کاربردهای دیگری هم داشته است

نقش مذهبی آتش در ایران باستان بیشترین سهم از نقش‌های این آفریده هفتم اهورامزدا را در متون دینی و تاریخی به خود اختصاص داده است و بیش از کاربردهای دیگر آن شناخته شده است، اما آتش کاربردهای دیگری هم در آن دوران داشته است.

آتش در دوره هخامنشیان کاربردی ارتباطی نیز داشت و از آن همانند تلگراف بی سیم استفاده می شد. به فرمان خشایارشی هخامنشی (485 - 465 قبل از میلاد)، از شوشتر و همدان، دو پایتخت بزرگ تا به سرحدات ایران برج‌های بسیار بلند به فاصله‌های معین ساختند و در بالای آنها پاسبانانی گماشتند تا شب‌ها به کمک شعله آتش و حرکات و علایم مخصوصی که به آن می دادند، از این برج به برج دیگر وقایع مهم دورترین حدود مملکت را به مراکز برسانند. در سال 479 قبل از میلاد، وقتی سپهبد ایران، آتن، پایتخت یونان را فتح کرد، در شب همان روز خبر به شاهنشاه رسید که در سارد پایتخت لیدی اقامت داشت. در شاهنامه و در یادگار زریران نیز آمده است که با آتش افروزی در بالای کوه‌های بلند لشکریان را به گرد آمدن و آماده حرکت شدن خبر می دادند.

این شیوه شاید در دوره‌های بعد هم مورد استفاده قرار گرفته باشد. به عنوان مثال، کوهی در اصفهان در نزدیکی منار جنبان قرار دارد و بر بالای آن آثار آتشگاهی به جا مانده است که کارشناسان با توجه به بقایای باروهای اطراف آن گمان می‌برند، شاید محلی برای دیده بانی و علامت دادن برای آتش بوده باشد. در شیراز نیز کوهی در نزدیکی دروازه قرآن است و بر فراز آن، جایگاهی است که امروزه موسوم به «تنوره دیو» است و در گذشته احتمالاً «تنوره دید» نامیده می‌شد. این جایگاه نیز کاربردی این چنینی داشته است.

آتش، عنصری برای جشن و نیایش

البته نقش آتش در مذهب و ارتباط نیز محدود نماند و برای آن آیین‌ها، نیایش‌ها و جشن‌های زیادی برگزار شد و در فرهنگ مردم جای گرفت. آتش از زمانی که شناخته شد، همواره مورد توجه و احترام آدمی بود. در میان ایرانیان نیز همواره این عنصر حیات بخش مورد تکریم بوده است تا جایی که ایزدی را به نام آذر / آتش نامیده بودند و روز نهم هر ماه و ماه نهم سال را با نام وی می خواندند. آنان در گرامیداشت این عنصر جشن‌های متعددی برگزار می کردند که از آن جمله است: جشن سده و جشن سوری (چهارشنبه سوری) و آذر جشن. روز آذر از ماه آذر موسوم به «آذرگان» آذر جشنی از زمره جشن‌های همنام شدن روز و ماه برگزار می شد. در بخشی از یسنای اوستا نیز نیایشی ویژه آتش آمده است. این توجه و احترام تا جایی بود که پرستشگاه‌هایی بر گرد آتش مقدس به نام آتشکده برای گردآمدن مومنان و خواندن دعا در جای جای این سرزمین بر پا شده بود.

آتشکده در ایران باستان

در اوستا، اصطلاحی برای آتشکده نیامده است. نخستین اشاره به آتش (معلوم و مخصوص) در ادبیات زردشتی از سده سوم میلادی است، در کتیبه ای از شاهپور اول ساسانی و روحانی بزرگ معاصر او، کریتر. کریتر بنیان گذار آتش بهرام، مقدس ترین و مهمترین آتش آیینی دین زردشت بوده است.

از دوران ساسانی، به نام سه آتشکده معروف بر می خوریم که اصل آنها را از آتش‌های اساطیری دانسته اند. مهمترین آتشکده ایران در آن دوران آتشکده آذر فرنبغ (Adur Farrobag) در فارس بود که آتشکده مختص روحانیان بود و مرکزیت داشت. آتشکده آذر گشنسب، آتشکده خاص طبقه ارتشیان بود که از نظر اهمیت بعد از آذر فرنبغ قرار داشته است و محل آن در شیز، نزدیک گنرک، در جنوب شرقی دریاچه ارومیه (در آذربایجان) بود و شاه و ارتشیان برای نیایش به آنجا می رفتند. سومین آتشکده مهم کشور، آذر برزین مهر (Adur Burzenmihir) بود، مختص کشاورزان که در آیین‌های ویژه به آنجا می رفتند.

باستان شناسان از آثار به جا مانده از آتشکده‌های دوران ساسانی دریافتند که بیشترین آتشکده‌ها در آذربایجان بوده اند و این سرزمین مرکز مقدس مذهبی ایران بوده است. بیشتر این آتشکده‌ها خاکستری نداشته و در اصطلاح پهلوی «خودسوز» بوده اند. ظاهراً منبع سوخت آتش‌های آنها گاز نفت بوده است.

نام خود آذربایجان نیز ماخوذ از آتش است. آتورپات (= نگهبان آتش) که در دوره هخامنشی، شهربان این ناحیه بود، نام خود را به آن داد و این ناحیه از کشور به آتورپاتکان (آذربایجان امروزی) مشهور شد.

همچنین تعداد زیادی از بناهایی که به «چهارطاق» معروف شده اند احتمالاً آتشکده بوده اند. ردپای این بناها را در معماری ایران پس از اسلام نیز می بینیم. در دوران باستان، نه تنها زردشتیان برای دعا و نماز در پیشگاه آتش یا شنیدن گفتار «هیربد» به آتشکده می رفتند، بلکه نیازمندان گرسنه و تشنه نیز برای طلب یاری به آتشکده‌ها پناه می بردند.

در این معابد که براساس شواهد از دوره هخامنشی در این کشور بر پا شده اند، آتش مقدس آتش همیشه فروزان با چوب بود که در آتشدانی روی پایه ای بلند می سوخت. روحانی پرستار آتش هر روز در وقت معین سوخت و بخورات را همراه با نیایش و آتش پیشکش می کرد. از آنجا که قبله زردشتیان نور است، مومنان برای به جا آوردن نمازهای روزانه خود به حضور آتش یا نور خورشید (آتش آسمانی) نیازمند بودند و شرط خواندن نماز داشتن طهارت کامل و به اصطلاح وضو بود. نماز ویژه آتش هنوز هم در آتشکده ها خوانده می شود.

با برپایی آتشکده ها، لزوم پیدایش طبقه نوینی از روحانیان، یعنی موبدان آتشکده ها احساس شد. از میان این طبقه، روحانی عالی رتبه یا روحانی رییس آتشکده را در فارسی باستان بگینه پتی baginapati می خواندند. این لقب در دوره ساسانی به «مغوبد» (= بزرگ مغان) تغییر یافت.

آتشدان در ایران باستان

ظرفی که آتش را در آن نگهداری می کردند، «آتشدان» نام داشت. آتشدان در اتاقی درونی و محراب مانند در آتشکده قرار داشت تا پرستار روحانی آن را از هرگونه آلودگی و ناپاکی مصون دارد. در میان بقایای کاخ های با شکوه پاسارگاد، آتشدان های خوش تراشی از سنگ سفید پیدا شده است که نشان دهنده اهمیت این عنصر نزد شاهان هخامنشی است. این آتشدان ها ته ستون و سری سه پله دارند که با پایه بلندی به شکل مکعب مستطیل قلمی به یکدیگر وصل شده اند. ارتفاع آن تا حدود کمر آدمی میانه قد، می رسد. سر آنها که روی پایه سنگی قرار دارد، تو خالی و محل افروختن آتش بوده است. شاید داخل این آتشدان سنگی از منقلی فلزی هم استفاده می کردند. زیرا داخل آن اثری از آتش دیده نمی شود.

آتشدان های پاسارگاد از نظر ظرافت کار سنگتراشی بی نظیرند اما نمونه های آن را زردشتیان در طول سده ها، به هنگام پرستش و نیایش به کار برده اند.

در حجاری های بالای آرامگاه داریوش، آتشدانی همانند آتشدان پاسارگاد روبروی نقش شاه قرار دارد که زردشتی بودن صحنه را نشان می دهد. نقش آتش به صورت هرمی از شعله ها از سر آتشدان زبانه می کشد. این کهن ترین نمونه آتشدانی است که آتش آن افروخته است. گمان می رود نماز کردن به آتش افروخته در بلندی از آیین های ویژه شاهان زردشتی بوده است. گویی داریوش با این حجاری می خواسته بر زردشتی بودن خود تاکید کند. احتمالاً مراد از آتش حجاری شده، نمایش اجاق شخصی او به هنگام جلوس بر تخت بوده است. رسمی که ظاهراً بنیان گذار آن کوروش بود و از اهمیتی حکایت می کند که در ایام کهن، آتش شخصی هر حکمرانی برای قوم و طایفه او داشته است.

در بالای آتشدان، نقش فروهر در پرواز است. پشت سر پیکره فوق، قرص ماهی برجسته همراه با هلالی در لبه زیرین آن حجاری شده است. هماهنگی نقوش فروهر و قرص ماه و آتشدان در آرامگاه داریوش دلالت بر احترام داریوش نسبت به خورشید و ماه و آتش می کند و جالب اینکه سه دعای مهم زردشتی نیز به این سه اختصاص دارند: خورشید نیایش، ماه نیایش و آتش نیایش. در متون پهلوی آمده که ستایش خداوند باید در آن حال که روی

به خورشید و ماه و آتش دارند، صورت پذیرد.

با این تعبیر و بر طبق سنن دین زردشت می توان گفت که این نقوش، شاه را در حال نیایش نشان می دهند.

نقش آتشدان را روی تعدادی از گل مهرهایی که در ویرانه های خزانه داری و باروی تخت جمشید یافت شده اند، نیز می بینیم. در نقوش این گل مهرها، بالای آتشدان فروهرقرار دارد و در دو سوی آن، دو پرستنده یا دو موبد به نیایش مشغول اند.

جزئیات شکل آتشدان روی گل مهرها دقیقاً مشخص نیست، اما باید نمونه ای از آتشدان های زمان هخامنشیان باشد. در گل مهری هم که از مصر به دست آمده و تاریخ آن میان سال های 400 تا 500 قبل از میلاد است، همین نمونه آتشدان دیده می شود. به طور کلی نقش آتش افروخته روی پایه بلند، بر مهرها و گل مهرهای هخامنشی که پرستشگران به آن ادای احترام می کنند، نماد رسمی مذهبی شده بود. از گزنفون، تاریخ دان یونانی، نقل است که کورش بزرگ هخامنشی به هنگام بیرون آمدن از زادگاهش پارس، به ایزد آتش اجاق و اهورامزدا نیایش می کرده است. گزنفون کورش را چنان می نمایاند که زردشتی مومنی است و معمولاً به درگاه اهورامزدا نیایش می کند.

پیش از روزگار ساسانیان، برای این آتشدان ها نامی در اثری به جا نمانده است. اما در دوره ساسانیان به نام های «آدوران»، «آتشدان» و «آتشگاه» بر می خوریم. همچنین در دوره ساسانیان، آتشدان علامت ملی شد و آن را روی سکه های پادشاهان این سلسله ضرب کردند.

اهمیت آتش را در اسامی عام ترکیبی که از دوران هخامنشی به جا مانده نیز می توان دید، مانند: آتر فرنه (= از آتش بخت یافته) و در الواح ایلامی: آتر پاته (= محافظت شده با آتش)، آتر بانو (= دارنده درخشش آتش) و آتر دانه (= آتش داد).



ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «آتش در ایران و عهد هخامنشیان»، پارسیان دژ، ۱۳۹۶.

خواندن مقاله و پیوست های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1065/pdf/آتش-در-عهد-هخامنشیان.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۶ مرداد ۱۳۹۹